

کاربست تعاون بر نیکی در حقوق خانواده

دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

تأیید: ۱۴۰۳/۰۴/۰۴

محمود رایگان^۱

چکیده

روح حاکم بر قوانین موجود در حقوق خانواده، متأثر از نهاد شرکت و مشارکت زوجین است؛ در حالی که آموزه‌ها و نگاه دقیق حقوق اسلامی در تشکیل و اداره خانواده، بر تعاون و همیاری تأکید می‌کند. قاعده تعاون، از قواعد کاربردی و البته مغفول در فقه و حقوق، از آیه ۲ سوره مبارکه مائده استخراج شده است که می‌فرماید: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى»؛ همواره در راه نیکی و پرهیزگاری به یکدیگر کمک کنید. نگاه همیاری در حوزه خانواده، علاوه بر کاربرد در امور مادی، در امور معنوی نیز مؤثر است.

مقاله حاضر، با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف به چالش کشیدن نگاه «شرکتی» غرب به خانواده و انحلال آن و تقویت نگاه اسلامی «تعاون»، نوشته شده است. در نتیجه این پژوهش، مشخص می‌گردد که تعاون بر نیکی و تقوی، دلیل محکمی بر لزوم تشکیل زندگی به عنوان بزرگترین بر، و اداره آن توسط زوجین در امور مادی هم‌چون نفقه، مهریه، جهیزیه و امور معنوی مانند تعهد، صداقت، محبت و مودت، رسیدن به آرامش، فرزندپروری و حتی پذیرفتن داوری در طلاق است. یعنی در صورت اراده زوجین مبنی بر جدایی نیز، به نیکی سفارش می‌کند که در صورت وجوب تعاون، یاری و تعاون بر آن، واجب خواهد بود. هم‌چنین جایگاه شرط «تصیف دارایی» که حاکی از نگاه شرکتی و دارای ابهام و اشکال است، متزلزل می‌شود.

واژگان کلیدی: خانواده، قاعده فقهی، تعاون، نیکی، شرکت، زوجین.

^۱. عضو هیات علمی گروه حقوق دانشگاه گناباد mahmoodrayegan@yahoo.com

مقدمه

قاعده تعاون بر نیکی و تقوا، به عنوان یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی، مجرا و مکمل بسیاری از قوانین حقوقی و هم‌چنین، یکی از ضروریات در مباحث مرتبط با حوزه فقه است. این قاعده مختص ابواب خاصی از فقه نبوده، بلکه در جای جای موضوعات مختلف فقهی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، کاربرد اساسی دارد. حوزه خانواده نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های اجتماعی، از موارد تطبیق این قاعده محسوب می‌شود.

از آن‌جا که مهم‌ترین اجتماع بشری از بدو خلقت، خانواده بوده است، حفظ و رونق آن، سبب تشکیل و تشریح اجتماعات بزرگتر، هم‌چون شهر یا کشور و... خواهد شد و در مقابل، ناتوانی در حفظ و استحکام آن، می‌تواند سبب زوال ملت‌ها و حتی نسل انسان شود. بنابراین، فروپاشی اجتماعات گوناگون با سقوط مفهوم خانواده، اصلی اساسی و مفهومی درک‌شده و مقبول است. خانواده از آن جهت که کانون مشارکت، مهر و محبت محسوب می‌شود، قطعاً بدون تعامل همه اعضا، نمی‌توان آن را حفظ نمود و به همزیستی که زوجین بر مبنای حسن معاشرت، برای حفظ و بقاء خانواده مکلف به رعایت آن شده‌اند (ماده ۱۱۰۳، ق.م)، ادامه داد. هم‌چنین زوجین در هدف غایی تناسل، باید نسبت به استحکام مبانی خانواده و تربیت فرزندان، یکدیگر را کمک نمایند (ماده ۱۱۰۴، ق.م).

به نظر می‌رسد، همزیستی در خانواده، نه از باب توافقات تجاری هم‌چون اجاره یا شرکت، بلکه از باب عون، ظُهر و معاضدت به حساب می‌آید و دقیقاً امری فراتر از مشارکت است که میان دو شریک در يك امر تجاری منعقد می‌شود؛ درحالی‌که عقد نکاح، به‌عنوان عامل ایجادکننده زوجیت، از نظر قانون‌گذار، قراردادی خصوصی میان آن دو می‌باشد. در این بین، شایان توجه است که قاعده تعاون با قدرت شمول و جریان در این مبحث، به حدی اهمیت دارد که اساس تشکیل، اداره و بقاء خانواده، بر پایه‌ی آن قرار گرفته و به نوعی مانع از تجاری و قراردادی شدن بنیان خانواده بر اساس صرف شرکت و مشارکت خواهد شد.

بنابراین، مسئله اصلی این نوشتار، تبیین ماهیت خانواده در اسلام بر پایه تعاون و بیان کیفیت ارتباط زوجین از جنس همیاری و معاضدت می‌باشد. قطعاً روشن شدن این‌که «ایجاد خانواده بر پایه‌ی تعاون است یا مشارکت؟»، می‌تواند پاسخ‌گوی سؤالات و اشکالات مهم و وضع قوانین

صحیح در حوزه خانواده باشد. هم‌چنین از جهت فرهنگی، رفع اختلافات خانوادگی و ایجاد دیدگاه صحیح، بر مدار تشریح این مدعا خواهد بود.

عنوان مقاله حاضر، از این جهت که دیدگاه شراکت و مشارکتی حاکم در غرب نسبت به نهاد خانواده را به چالش می‌کشد و به جای آن، نگاه قرآنی تعاون بر نیکی و تقوی را به صورت مبنایی در حوزه تشکیل و اداره خانواده، تبیین می‌نماید، دارای نوآوری است. در حال حاضر، تحقیقی که از جهت مبنایی به موضوع قاعده تعاون در حقوق خانواده پرداخته باشد، وجود ندارد. هرچند در برخی از کتاب‌ها در حوزه خانواده (هم‌چون درس‌نامه اخلاق خانوادگی، مصطفی دلشاد تهرانی، انتشارات دریا، چاپ اول، ۱۳۸۸، صص ۸۸-۸۵) و نوشته‌هایی در قالب اخبار در خبرگزاری‌ها و مقالات، تا حدی به بحث تعاون و همکاری در حوزه خانواده پرداخته شده، اما در آن‌ها بیشتر جنبه‌های اخلاقی این موضوع مطرح گردیده است. قاعده تعاون بر نیکی و تقوی، حتی در کتاب‌های قواعد فقهی و فقها نیز کمتر بررسی شده است. از این‌رو، تبیین این قاعده در حوزه خانواده، ضرورت این پژوهش است.

۱. معناشناسی تعاون

تعاون از ماده «ع و ن» و در اصل به معنای نصر و یاری است و ماده «ع و ن» لازم - به معنای متصرف بودن به نصر - به کار می‌رود که در باب‌های افعال و مفاعله معنای متعدی (کمک و یاری نمودن) به خود می‌گیرد (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۸، ص ۲۶۸). تعاون به معنای مشارکتی (کمک کردن هم‌زمان شخص یا گروه به شخص یا گروه دیگر) می‌باشد (فیومی، بی تا، ج ۲، ص ۴۳۹). باب تفاعل معمولاً معنای بین‌اثینی دارد. لذا با وجود یک طرف، تعاون و همکاری شکل نمی‌گیرد، بلکه روح و ماهیت تعاون به دو یا چند سویه بودن آن است. بنابراین، خانواده به جهت دارا بودن این روح و ماهیت، محل تطبیق و اجرای مفهوم تعاون است.

خداوند متعال در آیه شریفه «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مانده ۲) به تشریح و بیان لزوم تعاون در امور نیک پرداخته است. قرآن، با ذکر واژه «برّ» جنبه مثبت و انجام اعمال مفید و با ذکر واژه «تقوا» جنبه منفی و پرهیز از اعمال خلاف را هدف قرار داده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۴، ص ۲۵۳). عده‌ای از فقها در برخی فروع فقهی هم‌چون اخذ لقیط (در اختیار گرفتن طفل پیداشده بی‌سرپرست؛ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۳۳۶)، به استناد این آیه، حکم به وجوب تعاون نموده‌اند. «معاونة علی البرّ فتکون واجبة، عملاً بظاهر قوله تعالی

«وَأَخْسِنُوا» و قوله تعالى «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (زهدری حلی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۱۲۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵، ص ۲۳۵؛ سیوری حلی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۰۷).

۲. دو نگاه در حوزه خانواده

در حوزه خانواده، دو نگاه قابل طرح و بررسی است؛ در نگرش اول، تشکیل و اداره خانواده از مقوله شراکت محسوب می‌شود که در این صورت سیاست‌گذاری و قوانین حوزه خانواده، تحت تأثیر این نوع نگاه خواهد بود. فارغ از نسبت خویشاوندی، گویا خانواده یک شرکت سهامی خاص و دارای ارکانی از جمله مدیریت، اداره‌کننده و ناظر می‌باشد. در واقع با این نگاه، تشکیل خانواده، نوعی تأسیس شرکت تجاری یا غیرتجاری است که در آن، زوجین و فرزندان به دنبال کسب منافع خویش، در کفایت و پناه‌همدگیر هستند و اگر معاضدتی هم در این‌باره از سوی افراد خانواده تحقق یابد، تنها در قالب حُسن همکاری برای پیشبرد امور شرکت و سودآوری بیشتر است. هرچند ممکن است تصور شود که اهداف خانواده با اهداف شرکت بسیار متفاوت و علاوه بر امور مادی، اهداف معنوی و سعادت‌مندی را نیز شامل است، اما ظاهراً نگاه غرب به حوزه خانواده، از جنس شرکت بوده و وضع قوانینی هم‌چون شرط تصویف‌داری و تساوی حقوق زن و شوهر در کلیه امور مربوط به ازدواج، هنگام زناشویی و انحلال آن، به این فرضیه قوت می‌بخشد. حتی مقوله طلاق، در ردیف قوانین انحلال شرکت قابل تصور و اجرا خواهد بود. بر این اساس، به نظر می‌رسد قوانین موجود، نهاد خانواده را به نوعی از این مقوله به حساب می‌آورند. مشکل اساسی در این نگاه، عدم تمامیت بسیاری از مسائل مربوط به خانواده به‌ویژه مسائل معنوی و سعادت‌بخش خواهد بود. در واقع، وجود چنین دیدگاهی در سطوح سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری و یا در تشکیل و اداره خانواده، مشکلات و تعارضات اساسی پدید خواهد آورد. نگاه تجاری به زندگی زناشویی و یا دیدگاه بهره‌وری و منفعت‌بیشتر در این عرصه، سبب شده است، کانون خانواده که از نظر اسلام نهادی مقدس و معنوی است، به سمت نابودی هدایت شود. نهی اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام از نگاه تجاری و بهره‌وری مادی از ازدواج و تشکیل خانواده، گویای نادرستی این دیدگاه می‌باشد. امام صادق علیه‌السلام در روایتی فرمودند:

«إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ لِجَاهِهَا أَوْ مَالِهَا وَكَلَّ إِلَى ذَلِكَ وَإِذَا تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا رَزَقَهُ
اللهُ الْجَاهَلَ وَالْمَالَ»؛

اگر مردی با زنی فقط برای زیبایی و مالش ازدواج کند، به همین واگذار خواهد شد، ولی اگر به دلیل دین داری زن با او ازدواج کرد، خداوند زیبایی و مال نیز روزیش خواهد ساخت (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۳۳).

نگاه دوم به حوزه خانواده، همیاری و تعاون در این خصوص است. طبق این نگاه، گویا در عقد نکاح، علاوه بر ایجاد زوجیت، مفهوم تعاون و همکاری نیز نهفته است. نگاه تعاون، نه تنها محدود به حوزه مشارکت و حدود تعریف شده آن حین انعقاد قرارداد نمی‌شود، بلکه ارکان این اجتماع، معین، معان و معان‌علیه با اهداف معنوی و سعادت‌محور همراه خواهد بود که فراتر از شروط و تعهدات مندرج در سند ازدواج است و طرفین با تمام تعهد نسبت به هر نوع رفتار و گفتار خویش، درصدد حفظ، اداره و بقاء آن خواهند بود. در این صورت، مسائلی هم‌چون منیت و سهم‌خواهی، محاسبه سود و زیان، خستگی و ناامیدی وجود نداشته، بلکه حتی چالش و آسیب محسوب خواهند شد. با کنار هم گذاشتن آموزه‌های قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام این نوع نگاه، کشف و ثابت می‌شود (حسینی بوشهری، ۱۳۹۷، ج ۱).

۳. تعاون و مشارکت

برای تعاون دو معنای عام و خاص وجود دارد که معنای عام آن بسیار گسترده و با الفاظی هم‌چون: تظاهر، تناصر، مشارکت و... هم‌معنا است، اما در معنای خاص، تنها بر «عون» اطلاق می‌شود، که تحقق آن دارای ارکان و شرایطی است. برای تعاون به معنای اول، سه رکن اساسی معین، معان و معان‌علیه، در نظر گرفته می‌شود، که فاعل در اعانه «معین»، مفعول «معان» و به امری که متعلق یاری کردن می‌شود، «معان‌علیه» گفته می‌شود (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۵۵۷). اما در تحقق معنای خاص تعاون، معین و معان جایگاهی ندارد، چراکه در ماهیت تعاون به معنای خاص، هر یک از طرفین ممکن است هم معین و هم معان باشند؛ و در واقع، این‌گونه نیست که الزاماً یکی از افراد باید معین و دیگری معان و مالک فعل یا پدیده‌ای باشد. حتی ممکن است، تعاون به صورت تبرعی و خودیاری نیز تحقق یابد. به هر حال، آنچه از تعاون و مشتقات آن به ذهن متبادر می‌شود، مفهوم یاری کردن و پشتیبانی است.

شرکت و مشارکت از ماده «ش ر ک»، در لغت به معنای آمیخته شدن دو شریک (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۴۸؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۲۹۳؛ صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۱۶۲) یا دو ملک (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۵۱) و شریک شدن آنان است (قرشی،

۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۲۰). شرکت در اصطلاح فقهی و حقوقی، به معنای اختصاص بیش از یک چیز به شیئی و تشخیص آن‌ها به واسطه آن چیز است و به عقد شرکت هم از این جهت عقد می‌گویند، که سبب این اختصاص است (کاشف‌الغطاء، ۱۳۵۹ق، ج ۲، قسم ۱، ص ۲۰۰).

به نظر می‌رسد، تعاون و شرکت - هرچند ممکن است از عناصر مشترکی تشکیل شده باشند - دارای مفهوم واحدی نیستند. شراکت، از اختصاص و اختلاط یک چیز به چیز دیگر سخن می‌گوید؛ و تعاون، ناظر به همکاری و کمک رساندن است. شرکت، دارای چهار نوع اموال، اعمال، مفوضه، وجوه است (عاملی یاسین، ۱۴۱۳ق، ص ۱۱۵). هم‌چنین قوام شرکت، وابسته به عنصر دیگری است و تا امری در بین نباشد، شراکت معنایی نخواهد داشت، که در مباحث اقتصادی، مال یا منفعت، عنصر بنیادین محسوب می‌شود (پاسبان ۱۳۹۱ش، ص ۵۲). به‌طور اجمال می‌توان گفت: ممکن است، در هر شراکتی یک نوع مفهوم تعاون نهفته باشد، ولی هر تعاونی شراکت نیست.

کمک به دیگری، تعاون و نصرت نام دارد، درحالی‌که در تحقق مشارکت، هر دو شخص موثر هستند. به عبارت دیگر، در تعاون، یاری‌کننده به تنهایی یا با کمک دیگران سبب تحقق فعل است و ممکن است یاری‌شونده در تحقق فعل نقشی نداشته باشد. به عنوان مثال، در یاری غریق، فرد یاری‌دهنده، نقش نجات‌دهنده دارد و چه‌بسا فرد غریق بیهوش بوده و یا خلاف نجات، عملی را انجام دهد. اما در مشارکت، هر دو، سبب و علت تحقق فعل هستند؛ هرچند ممکن است میزان علیت و سببیت آن‌ها متفاوت باشد. مثلاً در یک شرکت تجاری، افراد با ایده، فعل یا سرمایه، به صورت شراکتی در کنار یکدیگر نقش ایفا می‌کنند. از این‌رو، معنای مشارکت برای خانواده، مفهومی نزدیک‌تر به ذهن است؛ چراکه اگر هدف از تشکیل خانواده، ایجاد آرامش باشد، زوجین به یک میزان در این خصوص وظیفه و نقش دارند. قرآن کریم در آیه ۲۱ سوره روم «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»، سکون و آرامش را غایت قرار داده که گمشده هر دو جنس ناقص و ناکامل است و با ازدواج به آرامش و کمال می‌رسند؛ بنابراین، می‌توان معنای مشارکت را برای خانواده تقویت نمود. این قرب معنا، برای آن است که دو فرد در تشکیل زندگی و بقاء آن تمام تلاش خود را به کار می‌بندند و با مشارکت سعی در پایداری کانون خانواده خواهند داشت.

اما واضح است که زوجین در این راه، یکدیگر را معاونت و همیاری می‌کنند و از هیچ تلاشی، حتی بالاتر از وظایف خود دریغ نمی‌کنند. به عنوان مثال زوجه، بدون چشم‌داشت مالی، اقدام به

شیردادن کودک می‌کند و خانه را مدیریت می‌نماید؛ هم‌چنین اموال خود را که از ارث یا اشتغال به دست آورده است، در اختیار زوج قرار می‌دهد. این در حالی است که نفقه بر عهده زوج بوده و زوجه در این خصوص وظیفه‌ای ندارد. از سوی دیگر، زوج هم در کارهای منزل به زوجه کمک می‌کند و او را در اداره زندگی یاری می‌دهد. در چنین فضایی، عنصر بنیادین مالی در بین زوجین وجود ندارد و برای سعادت و رسیدن به آرامش، همکاری می‌نمایند. همان‌گونه که در بامداد اولین روز عروسی حضرت علی و حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از امیر مؤمنان علیه‌السلام پرسیدند: همسرت را چگونه یافتی؟ آن‌حضرت با استفاده از واژه «عون» پاسخ دادند: حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها، بهترین کمک و همکار بر اطاعت خداوند است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۹۲).

هم‌چنین با توجه به تحقق معنای عیال در زوجه و فرزندان که تحت تکفل و سرپرستی زوج و پدر قرار دارند (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۲۷۵)، معنای تعاون برای این نوع سرپرستی، نزدیک‌تر به واقع و شایسته‌تر خواهد بود. علاوه بر این، ازدواج، سنت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و از مصادیق تقوی است. زیرا تقوی، به معنای محفوظداشتن خود و پرهیز کردن است. یعنی انسان خود را از چیز مخوف، در وقایه و حفظ قرار دهد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۸۱). در این صورت، ازدواج و تشکیل خانواده نه تنها از جهت «پُر» بودن، بلکه از جهت تقوی نیز از مصادیق امر شارع مقدس در آیه شریفه تعاون خواهد بود. بنابراین، می‌توان گفت قاعده تعاون، اساس و مبنای تشکیل و اداره خانواده است.

۴. جایگاه تعاون در خانواده

فداکاری بدون چشم‌داشت و توأم با عشق و محبت والدین نسبت به فرزندان خویش، از تربیت و سرپرستی گرفته تا تغذیه، تأمین پوشش و رفاه، مکان استراحت و... آنان را نمی‌توان به مشارکت محدود نمود. بر همین اساس، قرآن کریم احترام به والدین را بعد از رکن اساسی تمام ادیان یعنی توحید، بیان نموده است (بقره/۸۳) و این تنها تشکر کوچکی در برابر زحمات فراوانی است که والدین، برای تربیت انسان و سعادت‌مندی جامعه متحمل شده‌اند (اسراء/۲۴). عشق والدین به فرزندان خویش، سبب می‌شود تا با شوق و ذوق، تربیت آن‌ها را برعهده گیرند و این مسئله را نمی‌توان در قالب مشارکت گنجانند. حقیقتاً چگونه می‌توان روابط خانواده را محدود به شرکت و مشارکت دانست؟!!

ارتباطی که بعد از عقد نکاح میان زوجین شکل می‌گیرد، از جنس محبت و مودت و برای رسیدن به آرامش است، نه از جنس شراکت و قراردادی صرفاً برای ایجاد زوجیت و اداره خانواده. قرآن کریم می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»؛ و از نشانه‌های او این‌که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میان‌تان مودت و رحمت قرار داد؛ در این، نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند! (روم/۲۱). به درستی که این نوع محبت، نه تنها میان زوجین، بلکه در بین بستگان و اکثر جوامع کوچک انسانی دیگر نیز صادق است. اموری هم‌چون عیادت مریض، تشییع جنازه، همکاری در امور خیر و ... همگی درجه‌ای از این محبت و مودت محسوب می‌گردد که بر اساس روابط انسانی و بدون هر نوع قراردادی انجام می‌شود. به عنوان مثال، اطلاق عنوان ویژه «شهادت» در روایات برای مرگ در دفاع از اهل (جمعی از محققان، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۲۱۴) یا در راه جلب رزق و کار برای خانواده، از جمله شواهدی است که مشارکتی و قراردادی بودن زندگی را نفی می‌نماید.

در اجتماع کوچک خانواده، بسیاری از امور با همکاری آمیخته است و این نوع همکاری و همیاری مصداق عینی تعاون محسوب می‌شود. به عنوان مثال، حمایت پدر از فرزندان خویش و یا حمایت همسران از یکدیگر، صرفاً یک مشارکت نیست. با وجود این‌که برخی از امور متداول در خانه از وظایف زوج یا زوجه نیست، اما انجام آن‌ها برای پیشبرد زندگی مشترک و جلوگیری از ایستایی یا شکاف در آن، تعاون است. حضور فعال زن در اموری هم‌چون تهیه و تدارک غذای اعضای خانواده یا نظافت منزل و کوشش بیشتر مرد برای تأمین نیازهای اعضای خانواده، فراتر از وظیفه آنان و در واقع نوعی از تعاون محسوب می‌شود. هم‌چنین یکی از اصول تربیتی مهم در ساختن انسان شایسته از نظر اجتماعی و عقلی، ایجاد روحیه تعاون در میان فرزندان است. فرزندی که امروزه غالباً از والدین، انتظار خدمت‌گزاری دارند و برخی از آن‌ها نسبت به امور خانه بی‌اهمیت و حتی در جایگاه اجتماعی و زندگی آینده خود، ناتوان و حیران‌اند.

در سیره نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله آمده است که آن‌حضرت کارهای شخصی‌شان را در خانه، خود انجام می‌دادند؛ لباس‌شان را پاکیزه و در صورت نیاز وصله می‌کردند، شیر گوسفند را می‌دوشیدند، کفش خویش را پینه می‌زدند، خانه را جاروب می‌کردند و ... با این وصف، می‌توان رفتار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را نمونه بارز تحقق تعاون در خانه و خانواده عنوان نمود (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۳۶۹). این روحیه از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به عنوان الگو بر همگان دلیل و راهنما است.

آن حضرت در روایتی فرمودند: هر زنی که در خانه همسر خود کاری انجام دهد و چیزی را جابه‌جا کند که هدف او اصلاح امور خانه باشد، خدای عزوجل نظر [رحمت] به او می‌اندازد و هر که خدا به او نظر [رحمت] کند هرگز عذاب نمی‌شود (ابن بابویه، ۱۳۷۶ش، ص ۴۱۱). این نوع همکاری در خانواده مسلماً سبب تعالی و سعادت خانواده خواهد بود.

ارتباط خانواده و قاعده تعاون را می‌توان معطوف به بیانی از مفاهیم آیه شریفه تعاون (مانده/۲) دانست. بر اساس این آیه، هر چیزی که از موارد «بِرِّ» محسوب گردد، چه به صورت الزام یا غیر الزام، می‌تواند متعلق قاعده تعاون علی‌البرّ واقع شود. با استناد به آیه تعاون، قطعاً ازدواج یکی از والاترین امور برّ محسوب می‌شود، که طبیعتاً متعلق «تَعَاوُنُوا» قرار گرفته است. در این صورت، امر به آن در ضمن آیه مورد نظر، امری مسلم است و امر به ایجاد خانواده به صورت مستقیم به فرد تشکیل‌دهنده خانواده (نساء/۳) یا امر به دیگر افراد که توانایی به ازدواج درآوردن افراد مستعد ازدواج را دارند (نور/۳۲)، هر دو مورد شمول آیه تعاون خواهند بود. از طرفی، استمرار بر حفظ و بقاء خانواده از آن جهت که از مصادیق برّ و تقوی محسوب می‌شود، یکی از مهم‌ترین نکات مورد اشاره آیه تعاون خواهد بود. در مقابل، هر آنچه که باعث تهدید و تخریب این نهاد مقدس شود، از مصادیق اثم و عدوان و منهی عنه قسمت دوم آیه «لَا تَعَاوُنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» خواهد بود. به عنوان مثال بی‌نمازی، بدرفتاری، فساد، اعتیاد و لاپرواہی‌گری، انجام محرمات و... که سبب سستی و فروپاشی نهاد خانواده می‌شود، همگی مورد نهی این آیه خواهند بود و اگر اعضای خانواده یکدیگر را در رفتارهای نادرست همیاری کنند، مشمول نهی «لَا تَعَاوُنُوا» قرار می‌گیرند. بنابراین، تعاون در برّ و تقوی و پرهیز از تعاون در اثم و عدوان، ستون نهاد خانواده و شاه‌رگ حیات است. زیرا افراد عضو یک خانواده، نسبت به معنویات یکدیگر (طه/۱۳۲) و انفاق و امور مادی (بقره/۲۱۵) مسئول هستند، و به همین دلیل هر یک از اعضای خانواده در صورت گام نهادن در مسیر انحراف و عدم تأثیرپذیری از هدایت، پس از خروج حکمی از عضویت در آن خانواده (هود/۴۶)، رها و هلاک خواهد شد (حجر/۶۰).

۴. قاعده تعاون و حقوق مالی خانواده

مدیریت خانواده بر عهده مرد نهاده شده و او موظف است نسبت به اداره و تأمین زندگی تلاش کند. از این رو، پرداخت نفقه و تأمین مالی زن و فرزندان بر او واجب است. اما این مسئله به معنای سلب مالکیت از زوجه نیست و زوجه دارای مالکیت مستقل می‌باشد (ماده ۱۱۱۸، ق.م). با در نظر

گرفتن ظاهر و برداشت سطحی این سخن، سؤال پیش می‌آید که چرا زوج باید به خود سختی بدهد و در حال تلاش باشد و علاوه بر تأمین هزینه‌های سرسام آور زندگی، مهریه، نحله، تنصیف دارایی و... را هم به گردن بگیرد؟ مسلماً با نگاه شراکتی به حوزه خانواده، نمی‌توان این قضیه را موجه دانست و مشکلات موجود را رفع کرد. ولی با نگاه تعاون و همکاری، بسیاری از احکامی که خداوند متعال برای تشکیل و اداره خانواده تشریح فرموده است، قابل تحلیل و مبنای صحیح قانون‌گذاری قرار خواهد گرفت که در ادامه بررسی می‌شوند.

الف) مهریه

«مهر» عبارت از مالی است که در مقابل عقد نکاح، از طرف زوج برای زوجه قرارداد می‌شود تا از آن منتفع گردد (مشکینی، بی‌تا، ۵۲۵؛ طاهری، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ۱۶۱). مهریه، از مسائل مرتبط با حوزه تعاون است که به عنوان حق ثابت، به محض وقوع عقد، برای زوجه قرار داده می‌شود. تعاون در مهریه، به این شکل است که زوج برای تشکیل خانواده، مال و پول برای زوجه در نظر می‌گیرد و هم‌چنین زوجه در برابر آن، عصمت و پاکی خود را هزینه می‌کند و همین باعث دلگرمی و دوام کانون خانواده می‌شود. تشریح و تقنین مهریه، حاکی از ضمانت اجرایی روح تعاون در تشکیل و اداره خانواده است. از این‌رو، مهریه شرط صحت عقد دائم نیست و بدون آن نیز عقد نکاح منعقد می‌شود (خمینی، بی‌تا، ج ۲، ۲۹۸) و به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود. (ماده ۱۰۸۲، ق.م؛ خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۰۰؛ محقق حلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۸۹) حتی زوجه می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشود، از ایفای وظایفش امتناع نماید (ماده ۱۰۸۵، ق.م؛ محقق حلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۹۰) و اگر به صورت اختیاری این وظایف را انجام دهد، دیگر حق امتناع ندارد؛ اما هم‌چنان حق مطالبه مهریه را دارد (ماده ۱۰۸۶، ق.م). هنگامی که زوجه مهریه را مطالبه نماید، زوج موظف به پرداخت آن است و اگر خودداری و استتکاف نماید، زوجه از دادگاه، تقاضای مهریه می‌کند. مطابق تبصره ۳ ماده واحده، اجرا و ثبت طلاق منوط به تأدیه کلیه حقوق مالی زوجه است؛ مگر این‌که مهریه را بخشیده و یا قبلاً وصول کرده باشد.

ب) نفقه

«نفقه» عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن، از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض (شهید اول، ۱۴۱۰ق، ص ۱۸۹؛ مشکینی، بی‌تا، ۵۴۴؛ ماده ۱۱۰۷، ق.م، اصلاحی

۱۳۸۱/۸/۱۹). با وقوع عقد، زوج باید نفقه زن را بپردازد و نیازهای او را تأمین نماید. نفقه با دو شرط «دائمی بودن ازدواج» و «تمکین کامل زوجه»، به وی تعلق می‌گیرد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۳۰۳؛ شهید اول، ۱۴۱۰، ص ۱۸۹). نفقه زوجه قابل مطالبه است، با گذشت زمان از بین نمی‌رود و زوجه می‌تواند نفقه گذشته را درخواست نموده (ماده ۱۲۰۶، ق.م) و بر سایر مستحقین نفقه، مقدم است (ماده ۱۲۰۳، ق.م).

نفقه مصداق بارز پُر در آیه تعاون است که در آیه ۱۷۷ سوره بقره نیز، انفاق مال به خویشاوندان و وفای به عهد از مصادیق پُر شمرده شده است. بر اساس ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی، در عقد دائم، نفقه زن به عهده شوهر است. ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی نیز مقرر نموده است: نفقه اولاد بر عهده پدر است؛ پس از فوت پدر یا عدم قدرت او به انفاق، با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اجداد پدری است. در صورت نبودن پدر و اجداد پدری و یا عدم قدرت آنها، نفقه بر عهده مادر خواهد بود. هم‌چنین ماده ۱۲۰۰ این قانون، به بحث نفقه والدین پرداخته و آن را متوجه اولاد دانسته است.

بنابراین، با مبانی و قوانین موجود در قضیه شرکت و شراکت، نمی‌توان الزامات و ضمانت اجرایی انفاق و نفقه در حوزه خانواده را به دست آورد؛ اما واضح است که نفقه از مصادیق بارز تعاون بر نیکی و ضامن بقاء و اداره خانواده است و نمی‌توان به صرف واجب بودن، آن را از دایره تعاون خارج نمود. چرا که در بسیاری از مصادیق تعاون می‌توان وجوب متعلق را مشاهده نمود و به همین واسطه، تعاون را در آن مورد واجب عنوان کرد. بنابراین، قاعده تعاون در موضوع نفقه و خصوصاً در بزنگاه‌های اختلاف و مسائل مرتبط با شکایت ذی‌حق، می‌تواند راه‌گشای حکم قضات در این خصوص باشد. به‌ویژه این‌که در پاره‌ای موارد (مانند تأمین نیازهای اساسی زن در زمان عده طلاق که بر عهده زوج است، ماده ۱۱۰۹، ق.م)، نفقه مترتب بر تمکین جنسی نیست و حتی برای مسائلی هم‌چون میزان محبت در خانواده، رضایت زوجین، شئون اجتماعی و... نیز نمی‌توان با استفاده از قواعد و قوانین شرکت، تحلیلی یافت.

ج) جهیزیه

جهیزیه به لوازم و اثاث مورد نیاز زندگی مشترک، اطلاق می‌شود که برای تشکیل خانواده معمولاً و عرفاً توسط زوجه تأمین می‌شود. بر اساس ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی، اثاثیه منزل به عنوان نفقه بر عهده زوج است و این در حالی است که زوجه به صورت داوطلبانه آن را برای استفاده در خانه، تهیه می‌نماید. گویا زوج با انجام امور دیگر در خانواده، این انتظار را از زوجه دارد و بر اساس رسوم نیز، زوجه خود را ملزم به تهیه جهیزیه و تعاون در اداره خانواده می‌داند. هرچند

جهیزیه در دوران زندگی مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما از دارایی‌های زن به حساب می‌آید و مطابق ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی، زن مستقلاً می‌تواند در دارایی خود هر تصرفی که بخواهد بنماید. بنابراین در صورت طلاق، باید اموال زن به وی برگردانده شود که جهیزیه نیز از آن جمله است.

د) نحله

نحله به معنای بخشش و هبه‌ای است که در برابر آن عوضی دریافت نمی‌گردد (عاملی یاسین، ۱۴۱۳ق، ص ۲۱۷؛ مشکینی، بی‌تا، ۵۵۲). هم‌چنین قرآن کریم فرموده است: «وَأْتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً؛ مهر زنان را به‌عنوان یک بدهی (یا عطیه) به آنان بپردازید!» (نساء/۴). قانون‌گذار، نحله را به عنوان یک بخشش در نظر گرفته و مقرر داشته است: در غیر مورد بند «الف» با توجه به سنوات زندگی مشترک و نوع کارهایی که زوجه در خانه شوهر انجام داده، دادگاه با توجه به وسع مالی زوج، مبلغی را از باب بخشش (نحله) برای زوجه تعیین می‌نماید (بند «ب» تبصره ۶ ماده واحده سال ۱۳۷۱). با توجه به این ماده قانونی، نحله موضوعی جدا از مهریه و نفقه است؛ چراکه این دو بر اساس شرع مقدس بر زوج واجب شده است و هیچ‌کدام منوط به مسئله طلاق نبوده و در دوران زندگی نیز قابل مطالبه است، اما نحله چنان‌که در ذیل قوانین مربوط به طلاق آمده، ظاهراً منوط به مسئله طلاق بوده که مرد طبق نظر دادگاه ملزم به پرداخت آن است.

در این‌که نحله از باب پرداخت اجرت‌المثل استیجار زوجه در خانه بوده یا نه، دایر مدار قصد زوجه در خانه برای انجام امور مربوط به خانه است. به این معنا که اگر زوجه فعل خود در خانه اعم از کار تا شیر دادن را تبرعاً انجام داده است، حق طلب هزینه‌ای از زوج ندارد. در این صورت می‌توان پرداخت نحله از جانب زوج را یکی از مصادیق تعاون عنوان نمود؛ زیرا بعد از طلاق، زوجه می‌تواند با دریافت این مبلغ، از مشکلات ناشی از نبود نفقه تا حدی خلاصی یابد، اما در صورتی که این پرداخت، از باب استیجار به لحاظ شرط پرداخت وجه از جانب زوج بوده و یا افعال زوجه در خانه با قصد تبرع نبوده باشد، نمی‌توان آن را تعاون عنوان نمود؛ چون الزام قانون‌گذار سبب این پرداخت گردیده است و در غیر این صورت حتی موضوعاتی هم‌چون پرداخت دیه یا ارش را باید از انواع تعاون به حساب آورد.

ه) شرط تنصیف دارایی

شورای عالی قضائی در مصوبه «۱۳۴۸۲۳-۱۳۶۱/۷/۱۹» و «۱۳۶۱/۷/۱۹» و «۱۳۶۲/۶/۲۸-۱/۳۱۸۲۳» به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ابلاغ کرده است که در سند ازدواج، ضمن عقد خارج لازم،

شرط شود «هرگاه طلاق بنا به درخواست زوجه نباشد و طبق تشخیص دادگاه، تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوء اخلاق و رفتار وی نبوده، زوج موظف است تا نصف دارائی موجود خود را که در ایام زناشویی با او به دست آورده یا معادل آن را طبق نظر دادگاه، بلاعوض به زوجه منتقل نماید.» ظاهراً این شرط به خاطر حمایت از زوجه و جبران خدمات او، با نگاه مستقیم به قوانین غرب و تحت تأثیر قانون شرکت زن و مرد در دوران زندگی، وضع و ابلاغ شده است. به همین سبب، برخی فقها بر ماهیت و اجرای آن ایراداتی هم چون مجهول بودن (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۷۴؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۶، ص ۱۰۹)، وارد نموده‌اند و حتی التزام به شرط تنصیف را الزام‌آور نمی‌دانند (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۷۴) و برای برون رفت از اشکال، مصالحه بین زوجین را پیشنهاد می‌کنند تا مرتکب خلاف شرع نشوند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۶، ص ۱۰۹).

به نظر می‌رسد جعل شرط تنصیف، حاکی از نگاه شراکتی به زندگی است. قانون‌گذار با طرفداری از زوجه و بدون در نظر گرفتن اموری که زوج موظف به انجام آن نیست و علاوه بر سایر تعهدات مالی که دارد، بدون مبنای شرعی، زوج را موظف به تنصیف دارایی (حتی بلاعوض)، نموده است. هرچند اکثر زوجین هنگام امضای عقدنامه، از محتوای شروط آن آگاهی چندانی ندارند و تفهیم صورت گرفته نیز ماهیت این شروط را واضح نمی‌سازد، اما این مسئله برخلاف دیدگاه تعاون است. بنابراین، الزام چنین شرطی را، نمی‌توان از قاعده تعاون بر نیکی و تقوی برداشت کرد.

و) اجرت‌المثل

در بعضی موارد، اجاره به کار انسان تعلق می‌گیرد و در برابر انجام دادن کار، مبلغی به عنوان مزد به عامل پرداخت می‌گردد. در نظر گرفتن مزد، یا به صورت صریح و توافق است که اجرت‌المسمی نامیده می‌شود و یا بدون تصریح، که در این صورت باید اجرت متعارف برای استفاده از همانند آن عمل، پرداخت گردد و به آن اجرت‌المثل گفته می‌شود (شهید اول، ۱۴۱۰ق، ص ۱۶۶؛ جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۲۴۷؛ ماده ۳۳۶، ق. م). بر اساس ماده ۳۳۶ قانون مدنی، هرگاه برحسب امر دیگری اقدام به عملی نماید که عرفاً برای آن عمل اجرتی بوده و یا آن شخص، عادتاً مهیای آن عمل باشد، عامل، مستحق اجرت خود خواهد بود؛ مگر این که معلوم شود که قصد تبرع داشته است. هم‌چنین قانون نیز برای حمایت از زوجه در برابر کارهایی که شرعاً بر عهده او نبوده و او در دوران زندگی مشترک در منزل زوج انجام داده، اجرت‌المثل در نظر گرفته

است (بند الف، تبصره ۶ ماده واحده، قانون اصلاح مقررات طلاق، ۱۳۷۱/۸/۲۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام).

بنابراین چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً بر عهده او نیست، به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و این امر برای دادگاه ثابت شود، دادگاه اجرت‌المثل کارها را محاسبه نموده و زوج را به پرداخت آن ملزم می‌نماید. حال اگر نسبت به تبرعی بودن آن اختلاف شود، قاعده تعاون می‌تواند جهت حل اختلاف کارگشا باشد. چرا که در صورت محور بودن قاعده تعاون در مبحث خانواده، تمام خدمات زوجه که نسبت به اجاره‌ای بودن یا تبرعی بودن آن شک وجود داشته باشد، حمل بر تبرعی خواهد شد. همانند فرضی که فرد، به نجات شخص دیگری اقدام نماید و در ادامه طلب اجرت کند؛ از آن جهت که تعاون علی‌البرّ انجام داده است، نمی‌تواند طلب اجرت نماید؛ مگر این‌که متعلق تعاون، امری مستحبی باشد که در این صورت قابل بررسی است.

۵. قاعده تعاون در طلاق

در نگاه تعاون به خانواده، مسلماً قضیه طلاق، برهم زنده تعاون و نهاد مقدس خانواده است و شاید به همین دلیل از نظر اسلام امری مبغوض به شمار می‌رود. اما با همه مبغوضیت، به عنوان راه‌حل نهایی، تجویز و به مرد واگذار شده است (ماده ۱۱۳۳، ق. م). برخلاف نگاه مشارکتی که در آن، طلاق به عنوان پایان یک فرآیند مشارکتی و جدایی دو شریک از یکدیگر است که با مشارکت زوجین شکل گرفته و با طلاق، منحل می‌شود و با توجه به نگاه غرب مبنی بر تساوی‌انگاری حقوق زن و مرد، سود و زیان این شراکت به صورت تساوی بین هر دو تقسیم می‌گردد.

این در حالی است که قرآن کریم درباره طلاق، به جای پرداختن به تساوی حقوق، دستور می‌دهد: «فَإِمْسَاكُ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ؛ مرد باید به‌طور شایسته همسر خود را نگه دارد، یا با نیکی او را رها سازد» (بقره/۲۲۹). نگهداری و رهاسازی به این شکل، مصداق بارز تعاون بر نیکی و تقوی محسوب می‌شود. چرا که وقتی عسر و حرج نسبت به ادامه زندگی برای زوجین حاصل شد و آن‌ها به هر دلیلی، قادر به حفظ زندگی و خانواده نباشند، چاره‌ای جز جدایی نیست؛ ولی این جدایی هم باید به صورت تعاون بر نیکی و تقوی صورت پذیرد که قرآن کریم، شیوه آن را «إِمْسَاكُ بِمَعْرُوفٍ» و «تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ» می‌داند (بقره/۲۲۹). اگر غیر از این بوده و طلاق همراه آزار و اذیت، ناحقی و سوء استفاده مرد از حق قانونی خود باشد، منجر به ظلم و مصداق بارز اثم و عدوان خواهد شد، که تعاون بر آن نهی شده است؛ «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده/۲).

الف) داوری در طلاق و تعاون

یکی دیگر از مصادیق تعاون در قضیه طلاق، مسئله داوری است که در قرآن به آن اشاره و در حقوق اسلامی پذیرفته شده است. در هنگام تیرگی روابط زوجین و بروز نافرمانی و اختلاف بین آن‌ها، باید یک داور از خانواده شوهر و یک داور از خانواده زن انتخاب شوند تا علت ناسازگاری زوجین را کشف و نسبت به اصلاح بین آن دو تلاش کنند و آشتی و سازش برقرار نمایند. اگر این دو داور، تصمیم به اصلاح داشته باشند، خداوند به توافق آن‌ها کمک می‌کند؛ زیرا خداوند دانا و آگاه، از نیات همه با خبر است (نساء/ ۳۵). حسّ خویشاوندی که بین دو داور و زوجین وجود دارد، به کشف مشکل و اصلاح واقعی رابطه آن‌ها کمک می‌کند. تلاش داوران برای اصلاح رابطه زوجین، مصداق بارز نیکی و تقوی محسوب می‌گردد و تعاون بر آن واجب است. به همین دلیل، هرچه داوران تصمیم گرفتند، لازم‌الاجرا خواهد بود که در قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۸ به آن اشاره شده است.

ب) تعاون در عده مطلقه رجعیه

«عده، عبارت است از مدتی که تا انقضای آن، زنی که عقد نکاح او منحل شده است، نمی‌تواند شوهر دیگر اختیار کند» (ماده ۱۱۵۰، ق. م). پس از طلاق و جدایی زوجین نیز قاعده تعاون هم‌چنان کاربرد دارد؛ زیرا زوجه موظف است پس از طلاق، عده نگه دارد و زوجین هم‌چنان در این مدت، وظایف و مسئولیت‌هایی برعهده دارند که باید رعایت کنند. در طول این دوره، حق رجوع برای مرد محفوظ بوده و در مقابل، نفقه زن بر عهده مرد گذاشته شده است (ماده ۱۱۰۹، ق. م). سؤال این است که چرا وقتی مرد، زن را طلاق داده است، باید نفقه دوران عده را بپردازد؟ اگر انحلال نکاح و از بین رفتن شراکت زوجین به خاطر طلاق صورت پذیرفته، پس پرداخت نفقه، به ظاهر ظلم در حق مرد است؛ درحالی‌که شرع مقدس، مرد را موظف به پرداخت آن می‌داند. این امر با استفاده از قاعده تعاون و نگاه همکاری به خانواده، قابل توجیه است. زیرا مطلقه رجعیه به دلیل حق رجوع، زوجه حقیقی محسوب می‌شود و هم‌چنان در حباله نکاح است. هرچند صیغه طلاق اجرا شده، ولی فعلیت طلاق وابسته به سپری شدن عده است (شیرازی، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۱۷۲۳) و با رجوع، بدون نیاز به عقد مجدد، دوباره زوجیت برقرار می‌شود. از این رو، پرداخت نفقه از باب تعاون بر نیکی و تقوی واجب است و مرد باید در این دوران، از زن حمایت کند.

۶. خاستگاه حقوق مالی نکاح

اگر خانواده به عنوان یک شرکت فرض شود، احکام و قوانین شرکت درباره آن جریان خواهد داشت؛ اما از آن جهت که محور در عقد شرکت، حق مالکیت است و این مسئله در موضوع خانواده جایگاهی ندارد، نمی‌توان آن را شرکت عنوان نمود. در قانون مدنی "شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیئی واحد، به نحو اشاعه" (ماده ۵۷۱، ق. م). مالکیت مشاع در برابر مالکیت اختصاصی است که تنها به یک مالک تعلق دارد. شرکت به دو نوع «فهری، غیرعقدی» و «عقدی، مدنی» واقع می‌شود؛ هم‌چنین تقسیمات دیگری از جمله «ظاهری و واقعی» و «فهری و اختیاری» دارد. از نظر فقهی، شرکت با اسبابی هم‌چون ارث، عقد شرکت، امتزاج و حیازت و احیاء، تحقق می‌یابد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۶، ص ۲۹۰-۲۹۱). شرکت تنها در مال مفروض است که به آن عنان نیز گفته می‌شود. به طور کلی، شرکت‌های متعددی وجود دارند که حول محور مال تشکیل شده‌اند. بنابراین، نمی‌توان خانواده را از باب مشارکت و شرکت دانست. چراکه اولاً و بالذات آن‌چه در عقد نکاح و فی‌مابین اعضای خانواده حاکم است، تعیین حدود مالی و بهره‌وری اقتصادی نیست، بلکه علاوه بر امور مادی، امور معنوی از قبیل محبت و مودت، تناسل و رسیدن به آرامش و سعادت، هدف خانواده است. حتی بر فرض شراکتی بودن عقد ازدواج در بعضی صور، «دائمی بودن زمان ازدواج» با «لزوم ذکر مدت در بعضی شراکت‌ها» منافات خواهد داشت. پس با توجه به آنچه گذشت، می‌توان مبنای تشریح و تقنین حقوق مالی در مسئله نکاح و تشکیل خانواده را قاعده تعاون دانست و این دیدگاه، سبب حل مناقشات و کمک به نهاد مقدس خانواده است.

۷. نظریه وجوب تعاون بر نیکی و تقوی در حقوق خانواده

بر اساس نظر مشهور علما، «تَعَاوُنًا» به عنوان صیغه امر، بدون در نظر گرفتن قرائن لفظی و حالیه در آیه شریفه و به خودی خود، ظهور و دلالت بر وجوب دارد. علاوه بر این، سیاق آیه و مباحثی که در آن مطرح شده، سیاق تشریح و قانون‌گذاری است. آیه مذکور، هم دارای امر و هم نهی و اباحه است. در خصوص تعاون، به نظر می‌رسد زبان آیه حاکی از لزوم و وجوب آن است؛ چرا که اراده اکید امر و بعث طلب در آن وجود دارد. لذا قدر متیقن از تعاون این خواهد بود که خداوند متعال، مکلفین را به تکلیف الزامی وجوب، دستور داده است. مسلماً تعاون بر نیکی و تقوا، در همه مصادیق دلالت بر وجوب نخواهد داشت، بلکه مصادیقی از نیکی و تقوا که منجر به

حفظ نظام، مال، جان، آبرو و نوامیس مسلمین است، بی تردید واجب خواهد بود (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۴۷۱؛ محقق سبزواری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۶۷) و اگر بخواهد تعاون بر «بِرِّ» مستحب باشد، باید قرینه‌ای مبنی بر غیر الزام وجود داشته باشد. اما در هر صورت، صیغه امر دلالت بر وجوب دارد و این مسأله در امر به تعاون در آیه فوق، تا حد زیادی دلالت بر مطلوب می‌کند؛ یعنی اگر برخی از موارد و مصادیق مستحبی تعاون نباشد، می‌توان به صورت قطعی تعاون را در امور برّ و تقوا واجب دانست. سد راه اثبات قطعی وجوب، وجود مواردی است که به صورت قطعی مستحب می‌باشد، نه واجب. از این رو، به علت مشترک بودن، نیازمند قرینه خواهد بود که می‌توان نهمی موجود در «لا تعاونوا» را قرینه بر وجوب تعاون در برّ و تقوا دانست. بنابراین، خلاصه دلایل وجوب تعاون عبارت‌اند از: ۱. صیغه امر؛ ۲. الزام به ترک در جنبه منفی تعاون؛ ۳. وجوب تقوی که متعلق تعاون است؛ ۴. سیاق و مقام تشریحی و قانون‌گذاری آیه.

با توجه به وجوب تعاون، مباحثی هم‌چون نفقه، مهریه و نحله، از مصادیق برّ محسوب می‌شوند که تعاون بر آن واجب است. هم‌چنین اکثر تعهدات اخلاقی و مباحثی هم‌چون وفاداری و فرزندپروری نیز از مصادیق تقوی هستند که تعاون بر آن‌ها واجب است. تعاون به‌عنوان یک قاعده فقهی و حقوقی، در حل تعارض‌ها و اختلاف‌ها بین زوجین بسیار کارگشا است. هنگامی که در بحث زندگی و خاتمه آن، زوج محکوم به پرداخت حقوق مالی زوجه شود، ممکن است بین آن‌ها تعارض پدید آید و تصور گردد که مثلاً زوج هم‌زمان باید مهریه، اجرت‌المثل، نحله، نصف دارایی و نفقه راپردازد و این خلاف تعاون است. زیرا فشار بر زوج و به عسر و حرج انداختن او، با تعاون بر نیکی و تقوی سازگاری ندارد. لذا در این جا، بین قاعده تعاون بر نیکی و تقوی و سایر قوانین که زوجه ملزم به رعایت آن است، تعارض وجود خواهد داشت. برای حل این مشکل، شاید بتوان گفت: قاعده تعاون به عنوان یک قاعده عمومی، بر سایر قواعد حکومت دارد و هر جا قوانین و قواعدی موجب تعاون بر اثم و عدوان گردد، باید ترک شود و حاکم، تعاون بر نیکی و تقوی است. از این رو، پذیرش داوری و اصلاح ذات‌البین، به استناد این قاعده، امری واجب خواهد بود.

۸. نتیجه‌گیری

از مباحث پژوهش حاضر معلوم می‌گردد، ازدواج و تشکیل خانواده، نوعی عون و ظهر است که علاوه بر امور معنوی، امور مادی نیز در آن دخالت دارد؛ اما مبنا و هدف، مادیات نیست، چرا که بسیاری از دعاوی مادی میان زوجین، بعد از بروز اختلافات و جدایی اتفاق می‌افتد. بنابراین، نتایج تحقیق حاضر عبارت‌اند از:

۱. دو نگاه برای سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری در حوزه خانواده قابل طرح است: اول، تشکیل و اداره خانواده از مقوله شرکت و متأثر از مسائل مادی است؛ دوم، تشکیل و اداره خانواده به عنوان برّ، و از مصادیق همیاری و تعاون است که علاوه بر زوجیت، اهداف معنوی و سعادت‌محور همراه خواهد داشت. نظریه دوم، می‌تواند مبنای تشریح و تقنین حقوق مالی و معنوی در حوزه خانواده باشد و سبب حل مناقشات و کاربرد در مجامع قضایی و فرهنگی - اجتماعی گردد.
۲. تعاون و شرکت، ممکن است دارای عناصر مشترکی باشند، اما نقطه افتراق اصلی نیز دارند؛ شرکت، اختلاط و اجتماع بر سر مال و مالیکت بوده و تعاون، همیاری و همکاری در اعم از امور مادی و معنوی است. لذا هر شراکتی، یک نوع مفهوم تعاون در خود دارد، ولی هر تعاونی، شراکت نیست.
۳. ازدواج از مصادیق والای برّ است و می‌تواند متعلق و موجب تعاون قرار گیرد. لذا امر به ایجاد خانواده به صورت مستقیم به فرد تشکیل‌دهنده خانواده (نساء/۳) یا از باب مقدمیت، امر به دیگر افراد که توانایی به ازدواج درآوردن افراد مستعد ازدواج را دارند (نور/۳۲)، هر دو، مورد شمول آیه تعاون خواهند بود. هم‌چنین استمرار بر حفظ و بقاء خانواده امری واجب محسوب می‌شود.
۴. در صورت ناسازگاری بین زوجین و تصمیم بر طلاق، همیاری و تعاون شایسته است. پذیرفتن داوری و انجام آن جهت اصلاح بین زوجین و دادن نفقه و حتی نفقه مطلقه رجعیه توسط زوج، واجب و از مصادیق تعاون برّ است.
۵. در صورتی که زوج به خاطر پرداخت دیون مادی ازدواج، به سختی بیفتد و بین قاعده تعاون و سایر قواعد تعارض پدید آید یا هر جا قوانین و قواعدی موجب تعاون بر اثم و عدوان گردد، باید ترک شود و قاعده تعاون برّ و تقوی، به عنوان یک قاعده عمومی، بر سایر قواعد حکومت خواهد داشت.

منابع

* قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی (للصدوق)، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، مصحح: میردامادی، جمال‌الدین، بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع - دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۳. اردبیلی (مقدس)، احمد بن محمد، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
۴. پاسبان، محمدرضا، حقوق شرکت‌های تجاری، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ هفتم، ۱۳۹۱ ش.
۵. جمعی از پژوهشگران زیر نظر هاشمی شاهرودی، سید محمود، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام، مصحح: محققان مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی، قم، مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم‌السلام، چاپ اول، ۱۴۲۶ ق.
۶. جمعی از محققان در پژوهشگاه تحقیقات اسلامی، جهاد در آینه روایات، قم، انتشارات زمزم هدایت، چاپ اول، ۱۴۲۸ ق.
۷. حسینی بوشهری، سیدهاشم، خانواده، کانون خوشبختی، تحقیق و تنظیم: رایگان، محمود، ابراهیمی، عباس، قم، مؤسسه فرهنگی هنری انوار طاها، چاپ اول، ۱۳۹۷ ش.
۸. حلّی (علامه)، حسن بن یوسف، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مصحح: بخش فقه در جامعه پژوهش‌های اسلامی، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۹. حلّی (محقق)، جعفر بن حسن، المختصرالنافع فی فقه الإمامیة، قم، مؤسسه المطبوعات الدینیة، چاپ ششم، ۱۴۱۸ ق.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، مصحح: داوودی، صفوان عدنان، بیروت، دارالقلم - الدارالشامیة، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.

۱۱. زهدری حلی، نجم‌الدین جعفر، ایضاح ترددات الشرائع، مصحح: سیدمهدی رجایی، قم، انتشارات کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۲۸ق.
۱۲. سبزواری (محقق)، محمدباقر، کفایة الأحكام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
۱۳. سیوری حلی، مقداد بن عبدالله، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، مصحح: حسینی کوه‌کمری، سید عبداللطیف، قم، انتشارات کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۱۴. شبیری زنجانی، سیدموسی، کتاب نکاح، مصحح: مؤسسه پژوهشی رای‌پرداز، قم، مؤسسه پژوهشی رای‌پرداز، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۱۵. صاحب بن عباد، إسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، مصحح: آل‌یاسین، محمدحسن، بیروت، عالم‌الکتاب، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۱۶. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، جامع الأحكام، قم، انتشارات حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها، چاپ چهارم، ۱۴۱۷ق.
۱۷. طاهری، حبیب‌الله، حقوق مدنی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۸ق.
۱۸. طوسی (شیخ)، ابوجعفر محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، چاپ سوم، ۱۳۸۷ق.
۱۹. عاملی، یاسین عیسی، الاصطلاحات الفقهیة فی الرسائل العملیة، بیروت، دار البلاغة للطباعة والنشر والتوزیع، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۲۰. عاملی جُبعی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن نورالدین، مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیة، چاپ اول، ۱۴۱۳ق. فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العین، محقق/ مصحح: مخزومی، مهدی، سامرائی، ابراهیم، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۲۱. فیومی، أحمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم، منشورات دار الرضی، چاپ اول، بی‌تا.
۲۲. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران.
۲۳. قرشی، سید علی‌اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ ششم، ۱۴۱۲ق.

۲۴. کاشف الغطاء، محمدحسین بن علی، تحریر المجلة، نجف اشرف، المكتبة المرتضوية، چاپ اول، ۱۳۵۹ق.
۲۵. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۲۶. مجلسی (علامه)، محمدباقر، بحار الأنوار، مصحح: جمعی از محققان، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۲۷. مشکینی، میرزا علی، مصطلحات الفقه، بی جا، بی تا.
۲۸. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، مرکز الکتب للترجمة والنشر، چاپ اول، ۱۴۰۲ق.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، کتاب النکاح، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیہ السلام، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
۳۰. _____ تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
۳۱. مکی عاملی (شهید اول)، ابوعبدالله شمس الدین محمد بن جمال الدین، اللمعة الدمشقية فی فقه الإمامية، بیروت، دارالتراث - الدار الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۳۲. منتظری نجف آبادی، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، مترجمان: صلواتی، محمود و شکوری، ابوالفضل، قم، مؤسسه کیهان، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۳۳. (امام) موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیلة، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ اول، بی تا.
۳۴. نجفی (صاحب الجواهر)، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، إحياء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.

Cooperation on goodness and piety and its application in family law

Mahmoud rayegan

Abstract

The ruling spirit of the laws in family law is influenced by the rule of partnership and participation of spouses; While the teachings and the strict view of Islamic law in the formation and management of the family emphasize cooperation and cooperation. The rule of cooperation, one of the practical and neglected rules in jurisprudence and law, is extracted from verse 2 of Surah Ma'idah, which says: Always help each other in the way of goodness and piety. The view of cooperation in the field of family, in addition to being used in material matters, is also effective in spiritual matters. This article is written with a descriptive-analytical method with the aim of challenging the western "corporate" view of the family and its dissolution and strengthening the Islamic "cooperative" view. As a result of this research, it is clear that the necessity of cooperation on goodness and piety is a strong reason for the necessity of forming life as the greatest lamb, and managing it by spouses in material matters such as alimony, dowry, dowry and spiritual matters such as commitment, honesty, love and Kindness is reaching peace, parenting and even accepting arbitration in divorce. That is, in the case of the will of the couple to separate, it also commands goodness that help and cooperation will be obligatory for it. Also, the position of the condition of "property halving", which indicates a corporate view and has ambiguity and problems, is weakened.

Key words: family, jurisprudence, cooperation, company, couples.